

رقيه توسلي

#### بخشنامه‌ها به بهشت می‌روند

(ادفع پائتي هي آحسن السنيّة... بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن / مؤمنون / آیه ۹۶)

شمال و کلاه می‌کنیم سمت درمانگاه. «آبان» قربانت بروم به خاله‌اش رفته. یکی از تخصص‌هایش، تب کردن است. آنفلونزا می‌آید توی بدنش می‌رود، تبش نمی‌رود... گرم‌زدگی می‌آید توی بدنش می‌رود، تبش نمی‌رود... اسپهال می‌آید، تبش نمی‌رود... دستش می‌شکند و جوش می‌خورد، تبش می‌ماند... خلاصه قصه‌ای داریم با این پسر تب‌لوی طایفه!

توی اتاق انتظار نشسته‌ایم، کشیک‌خاله‌زاده بزرگوار است، پسرخاله سپرده از ما ویزیت بگیرند، اما نوبت چرا، پنج مریض، چشم‌مان به ساعت است که منشی خطاب به آقای می‌گوید، شما بفرمایید.

مرد جوان با تشکر می‌رود سمت اتاق ویزیت، اما داخل نمی‌شود. معطل می‌ایستد لای چارچوب، جوری ثانیه‌ها می‌روند و او نمی‌رود که به‌منظر می‌رسد خشک شده باشد. نیم‌رخ مخلوطی از غم و خجالت و چراست.

صحنه پیش آمده برای همه‌مان شبیه فیلم‌های معمایی می‌شود. دوست داریم علت رفتارش را بدانیم زودتر... که می‌بینیم پسرخاله می‌آید به استقبالش.

در اتاق معاینه که بسته می‌شود ما می‌مانیم و آن تعجب غلیظ بی‌جواب. یک ربع بعد سسرانجام نوبتمان می‌شود. جوان چهارشانه، زیر و رو شده است. با حال خوش و روبوسی و تعظیم و مخلصم دارد بدرقه می‌شود توسط آقای دکتر.

انگار فضولی رسیده شده به چشم‌هایمان را پسرخاله می‌فهمد که هم «آبان» را بغل می‌کند و هم تعارف می‌کند بنشینم تا شرح قصه دهد برایمان.

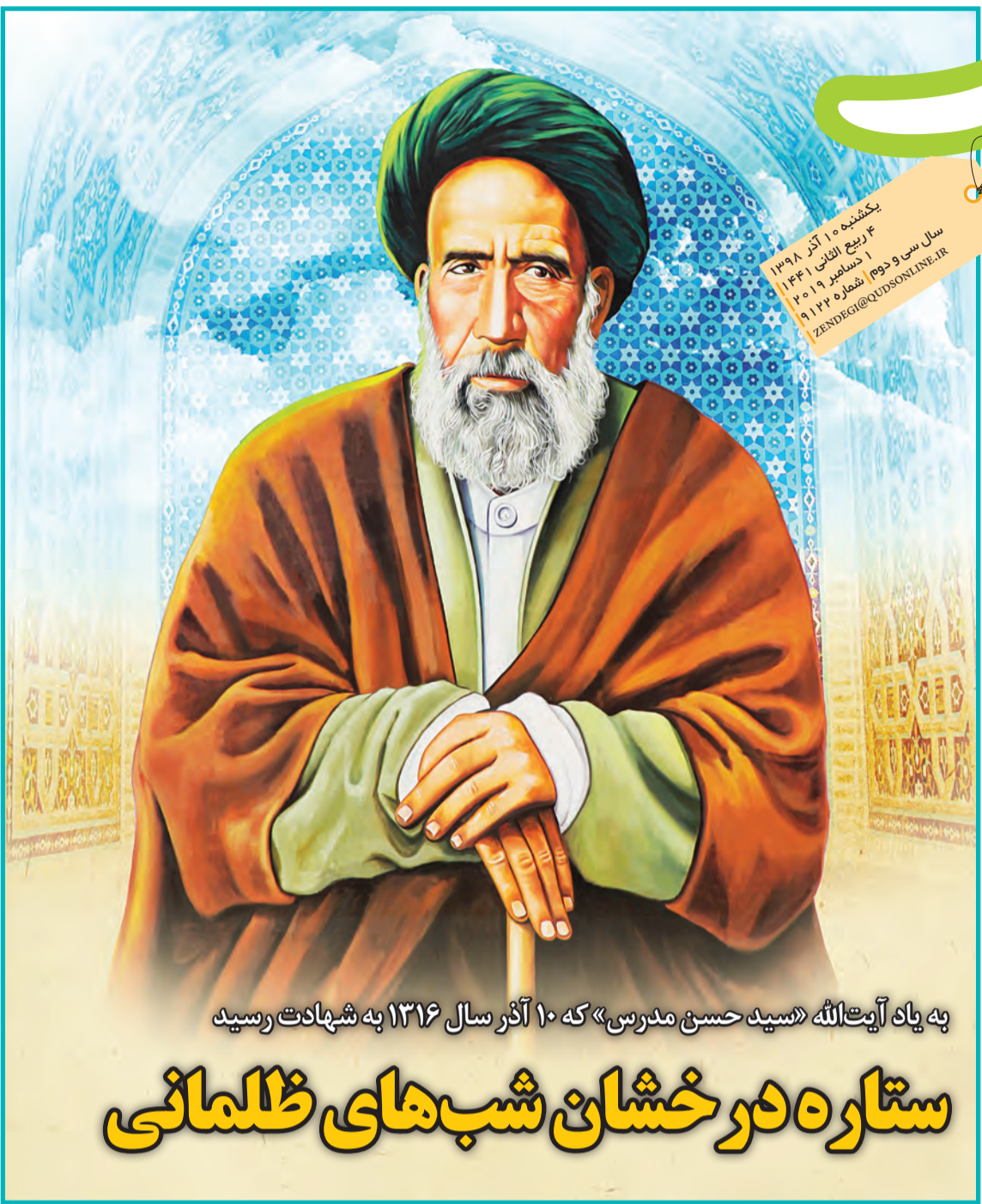
**ماوقع:** گویا همین صبحی، سر فرعی به اصلی بین ائومبیل‌هایشان تصادفی اتفاق می‌افتد. بعد جولنگ از کوره درمی‌رود و شروع می‌کند به فحاشی و البته دست بلند کردن. ردپای کبودی‌ها روی پیشانی و چانه پسرخاله پیداست.

قصه‌شان حالمان را بد می‌کند، اما او متوسم می‌گوید: قدر مسلم آدم خوش شانس نبوده این بنده خدا. درد ماشین یک‌طرف، درد کلیه از طرفی، حالا هم که کاپوس دیدن دوباره من...

برای «آبان»، جان، ایوبوروف و آمبول تجویز می‌کند و به‌گمانم برای ما هم کپسول عبرت‌اندوزی. **سنجاق:** دعا می‌کنم آدم حال خوب کنی باشم. امروز دستم آداگر بخشنده‌ها نباشند کار جهان بی‌خواب زارت.

یادی از ابوالفضل زرویی نصرآباد در گفت‌وگو با اسماعیل امینی

## تذکره عبید معاصر



بخشنامه ۱۰ آذر ۱۳۹۸  
۴ ربیع الثانی ۱۴۴۱  
۱ خرداد ۱۴۰۹  
۹ شهریور ۱۴۲۰  
سال سی و نهم / شماره ۱۲۲  
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

به یاد آیت‌الله «سید حسن مدرس» که ۱۰ آذر سال ۱۳۱۶ به شهادت رسید

## ستاره درخشان شب‌های ظلمانی

زمانی که مصمص السلطنه بختیاری به حکومت اصفهان منصوب شد، برای جلوگیری از دچار شدن به سرنوشت حاکم قبلی، حکم تبعید آقا نورالله و مدرس را امضا کرده اما با بالا گرفتن اعتراضات مردمی در اصفهان، مصمص خان مجبور شد آیت‌الله مدرس را با احترام به منزلت برگرداند. البته مصمص خان از موضعش کوتاه نیامد و چند صباح بعد دو نفر را اجبر کرد تا از پوشیدن لباس طلبگی، به مدرسه جده بزرگ رفته و مدرس را ترور کنند که در آن ماجرا تیرهای ضاربان خطا رفت و آسیبی به مدرس نرسید.

#### جلسه صد و نود و پنجم

در سال‌های پس از انقلاب مشروطه، براساس فصل دوم متمم قانون اساسی، برای نظارت بر قوانین مصوب مجلس شورای ملی و تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام شرع، مراجع نجف اشرف ۲۰ نفر از مجتهدان تراز اول را به مجلس ملی معرفی کردند تا پنج نفر از بین آن‌ها انتخاب شوند. اعضای دومین دوره مجلس شورای ملی، آیت‌الله مدرس و چهار نفر دیگر از آن میان ۲۰ نفر مجتهدی که مراجع نجف معرفی کرده بودند، انتخاب کردند. مدرس همان زمان برای فعالیت در سمت جدیدش همراه فرزندش سید اسماعیل، یک نفر خدمتکار و یک سورچی به سمت تهران حرکت کرده و در جلسه صد و نود و پنجم شورای ملی سوگند یاد کرد.

ماه‌های پایانی مجلس دوم مصداق شده بود با ماجرای مورگان شوستر و اولتیماتوم دولت روسیه برای اخراج او از ایران. از آنجایی که اعالی مجلس و روحانیونی مثل آیت‌الله مدرس از مخالفان جدی دخالت روسیه در ایران بودند، اولتیماتوم روس را نپذیرفتند و ناصرالملک نایب‌السلطنه هم مجلس را منحل کرده و اولتیماتوم روسیه را پذیرفت.

به وصیت او، به حوزه علمیه اصفهان رفت. سید حسن آن روزها حدود ۱۶ سال داشت. نوجوان ۱۶ ساله‌ای که روزهای پنجشنبه و جمعه کارگری می‌کرد تا خرج خورد و خوراکش در اصفهان را دربیابورد.

سید حسن چند صباح بعد راهی نجف شد و تا حدود ۳۷ سالگی در حوزه علمیه این شهر ماند. در آن زمان علما و مراجع وقت، اجتهاد و مرجعیت او را تأیید کردند و حتی مرجعیت شیعیان هند هم به او واگذار شد، اما سید حسن می‌خواست به کشور خودش برگردد. به همین خاطر قید مرجعیت شیعیان هند را زد و راهی اهواز و از آنجا اصفهان

تدریس سید حسن برای جوان‌های اصفهانی به‌حساب می‌آمد. جوانی که بعدها در کدماشان تبدیل به یکی از علمای بزرگ شیعه شدند. میرزا علی آقا شیرازی، مهدی الهی قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن شرفی، سید کمال الدین نوربخش دهکردی، شیخ محمدحسن برهان و... همه از شاگردان آن روزهای شهید مدرس بودند.

#### تیرها خطر رفت

با اوج‌گیری جنبش مشروطه‌خواهی، انجمن ملی اصفهان به ریاست حاج آقا نورالله اصفهانی تشکیل شد و مدرس هم از نخستین علمایی بود که به عضویت این انجمن درآمد و حتی بعدها به سمت نایب رئیسی انجمن انتخاب شد. در دوران استبداد صغیر، مدرس و حاج آقا نورالله اصفهانی، از اصلی‌ترین مخالفان اقبال‌الدوله -حاکم اصفهان- به‌حساب می‌آمدند که بارها در مسیر برنام‌های مختلف حاکم اصفهان سنگ‌اندازی کردند. آن زمان اوج محبوبیت آیت‌الله مدرس در میان مردم اصفهان بود و کار حتی به جایی رسید که پس از فتح تهران و پیروزی مشروطه‌خواهان،

#### به گوری چشم دشمنان

جمهوری‌خواهی رضا شاه طرحی بود که برای تغییر سلطنت قاجار برنام‌ریزی شده بود. در مقابل خیل بزرگ روشنفکرانی که برای روی کار آمدن رضاخان و برقرار شدن حکومت جمهوری در ایران سر و دست می‌شکستند، آیت‌الله مدرس که از پشت پرده جمهوری‌خواهی رضاخان

باخبر بود تمام تلاشش را کرد تا رأی‌گیری در مجلس را به تعویق بیندازد. بعضی از منابع تاریخی و تاریخ‌نگارها هم با تکیه بر همین ماجرا، شهید مدرس را طرفدار سلطنت احمدشاه و مخالف جمهوری معرفی می‌کنند در حالی که مدرس در مجلس چهارم، زمانی که کرسی نایب رئیسی را در اختیار دارد، درباره طرح جمهوری خواهی رضاخان می‌گوید: «من یا جمهوری واقعی مخالف نیستم و حکومت صدر اسلام هم جمهوری بوده است، ولی این جمهوری که می‌خواهند به ما تحمیل کنند بنا به اراده ملت ایران نیست، بلکه انگلیسی‌ها می‌خواهند به ملت ایران تحمیل کنند».

مصونیت سیاسی مدرس به‌واسطه نمایندگی مجلس شورای ملی، هرچند مانع از این شد که رضاخان بتواند سرسخت‌ترین مخالفش را از میان بردارد، اما نتوانست جلو رضاخان را بگیرد تا در روز استیضاحش به سمت مدرس حمله نکند و گلولی او را با دو دستش فشار ندهد! به همین خاطر برخی از منابع تاریخی می‌گویند دور از ذهن نیست که طراح ترسور ناکام نماینده اول مردم تهران در مجلس ششم، یعنی مدرس را هم شخص رضاخان بدانیم، حتی اگر در پیامی از این سو قصد ابراز تأسف کرده باشد و پاسخ «به گوری چشم دشمنان مدرس زنده است» را دریافت کرده باشد.

#### پایان قصه جمهوری خواهی

رضاخان، دست آخر پس از بالا گرفتن اعتراض‌های مدرس و سایر روحانیون مجبور شد در بیانیه‌ای به قصه جمهوری‌خواهی‌اش پایان دهد. افسر قراق اما در همان بیانیه از مردم خواست از تقاضای جمهوری، به‌خاطر روحانیون صرف‌نظر کنند و از این طریق برای نخستین بار مردم را در مقابل روحانیت قراق داد. پادشاه ایران در آن بیانیه خودش را پاسدار اصلی اسلام و روحانیت معرفی کرد تا این از طریق فاصله‌ای که بین او و مردم و روحانیت ایجاد شده بود را پر کند. ترس تسلیبی جمهوری خواه قراقی اما زمانی بر زمین افتاد که در جریان اعلام نتایج روز هفتم مجلس شورای ملی، آری نفر اول مجلس ششم یعنی شهید مدرس را «صفر» اعلام کردند و آیت‌الله مدرس خطاب به رضاخان گفت: «پس آن یک رأی که بنده به خودم دادم چه شد؟»

#### شهید بزرگ ما

فقط دو روز پس از بازگشایی مجلس هفتم و پایان مصونیت سیاسی شهید مدرس، رضاخان دستور بازداشت و تبعید او به حوالی خواف را صادر کرد. تاریخ، همه دارایی مدرس را هنگام تبعید یک زبلی کهنه، یک منقل گلی، چند استکان چایخوری و چند جلد کتاب روایت کرده است. دوران حبس شهید مدرس در خواف ۹ سال طول کشید تا اینکه در ۱۳۱۶، رضاخان دستور ترور او را به رئیس شهربانی خواف ابلاغ کرد. رئیس شهربانی آن زمان زبیر نرفت به همین خاطر محمود مستوفیان با سمت رئیس جدید شهربانی از شهید به کاشمر رفت و هنگام افطار ۲۶ رمضان ۱۳۵۷ برابر با دهم ۱۳۱۶ آیت‌الله سید حسن مدرس را به شهادت رساند.

سال‌ها بعد، امام خمینی شخصیت شهید مدرس را این‌طور توصیف کرد: «... در واقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرس که القاب برای او کوتاه و کوچک است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشور... ملت ما مرهون خدمات فداکاری‌های او است. بر ماست که ابعاد روحی و بینش سیاسی - اعتقادی او را هر چه بهتر بشناسیم و بشناسانیم.»



## ورزش

روز غافل‌گیری صدرنشینان

### سیل آبی به قله نرسید

مالک باشگاه شهر خودرو خبر داد

## صدور رضایت‌نامه یحیی فقط برای تیم ملی



آغاز تورنمنت بین‌المللی فوتسال مشهد

## محک تیم ملی برای جام ملت‌های آسیا

## مجازآباد

### قبرهای لاکچری



چند روزی است که قیمت‌های نجومی قبر در بهشت زهرا تهران حسابی در فضای مجازی حاشیه‌ساز شده و کاربران با انتشار هشنگ‌های مختلف از مسئولان می‌خواهند قیمت قبر را کنترل کنند. یکی از کاربران در این‌باره نوشته است: «سازمان بهشت زهرا، قبر سه طبقه را در قسمت قدیم بهشت زهرا ۲۷ میلیون تومان می‌فروشد. البته این شامل قطعات قدیمی تر نمی‌شود و آن‌ها قیمت بیشتری دارند. ابعاد قبر ۷۰ در ۱۸۰ سانتیمتر است، معادل ۱،۲۶ مترمربع. به عبارتی متری ۲۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان. یعنی به قیمت یک آپارتمان لوکس در بهترین نقطه تهران.»

### از صهیونیست‌ها یاد گرفته‌اند



چند شب پیش عده‌ای به مناطق شیک و بالای شهر بیروت حمله کرده و ضمن تخریب و شیشه شکستن، نام «خزبالا» یا همان حزب‌الله را روی دیوارها نوشتند که سرورضای زیادی در فضای مجازی به راه انداخت. یکی از فعالان لبنانی توئیتر اما ماجرای تخریب خانه‌ها توسط طرفداران حزب الله را تکذیب کرد و در توئیتر نوشت: «از شیوه نوشتن مشخص می‌شود نیروهای گروهک شبه‌نظامی مسیحی در لبنان بوده‌اند و با هدف فتنه برانگیزی و تخریب چهره شیعیان این کار را کرده‌اند. صهیونیست‌ها نام حزب‌الله را «خزبالا» تلفظ می‌کنند که ظاهراً مسیحیان فالانژ هم از هم‌میمان قدیمی خود یاد گرفته‌اند.»

### ماهی ۵۵ تومن بدیم به دولت!



این روزها، چهره‌های شاخص هنری و ورزشی، تحت تأثیر جو فضای مجازی، پست‌های مختلفی را در انتقاد از گرانی بنزین در صفحه‌های مجازی خود منتشر می‌کنند. سام درخشانی، بازیگر سینما و تلویزیون هم یکی از همین چهره‌هاست که با انتشار یک استوری در اینستاگرامش، پیشنهاد جالبی را برای کاهش قیمت بنزین، خطاب به دولت مطرح کرده است. سام درخشانی در اینستاگرامش نوشته است: «ظرتون چیه بنزین رو دوباره هزار تومن کنن، ما ماهی ۵۵ تومن بریزیم به حساب دولت؟»

### مرد واقعی



انتشار تصاویر دو فرزند ۴۰ روزه و هفت ساله شهید مرتضی ابراهیمی که در جریان اغتشاش‌های اخیر به شهادت رسید، کاربران فضای مجازی را حسیای تحت تأثیر قرار داده. کاربران در واکنش به این تصاویر، هشنگ مربوط به نام این شهید را در توئیتر داغ کرده‌اند. در ادامه چند نمونه از توییت‌های منتشر شده را می‌خوانید: «مرد واقعی اون‌ه که به خاطر من و شما از پسر ۴۰ روزه‌اش می‌گذره... آرامش امروز را مدیون پسر ۴۰ روزه‌ای هستیم که قراره همه عمر بدون پدر بزرگ بشه.»







# هنر نگار

## فرهنگ و هنر

یکشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۸

۴ ربیع الثانی ۱۴۴۱ | ۱ دسامبر ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۹۱۲۲

## خبر

رونمایی از پوستر فیلم

همزمان با مشخص شدن زمان اکران

«۲۳ نفر» از ۱۳ آذر ماه راهی سینما می شود



به نقل از روابط عمومی فیلم،

فیلم سینمایی «۲۳نفر» به کارگردانی مهدی جعفری و تهیه‌کنندگی مجتبی فرآورده از چهارشنبه ۱۳ آذر ماه در سینماهای سراسر کشور اکران می‌شود. این فیلم سینمایی موفق به دریافت سیمرغ بهترین فیلم از نگاه ملی جشنواره سی و هفتم فیلم فجر، پروانه زرین بهترین فیلم و بهترین کارگردانی از جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان و فیلم برگزیده یونسکو در ایران شد. «۲۳نفر» به تهیه‌کنندگی مجتبی فرآورده، روایت گروهی از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای عراقی درآمدند.

سازندگان فیلم سینمایی «۲۳نفر» عبارتند از تهیه‌کننده: مجتبی فرآورده، نویسنده و کارگردان: مهدی جعفری، مدیر فیلمبرداری: مرتضی قیدی، طراح صحنه: کامیاب امین عشایری، طراح لباس: سارا سمعی، جلوه‌های ویژه میدانی: محسن زرهپهانی، جلوه‌های ویژه بصری جنگ: هادی اسلامی، جلوه‌های ویژه بصری بخش عراق: امیر سحرخیز، مدیر تولید: رضا زنجبلیان، عکاس: محمد بدرلو، مشاوران: احمد یونسزاده، محمد سارودنی، تدوین: منیم مولایی، صدابردار و صداگذار: بهمن اردلان، طراح چهره‌پردازی: عباس عباسی و مشاور رسانه‌ای: مهرداد معظمی.

در روزهای پایانی فیلم‌برداری

کامبیز دیرباز به «خروج» پیوست



فیلم‌برداری فیلم سینمایی «خروج» با اضافه شدن کامبیز دیرباز در روزهای پایانی به کار خود پایان داد. تازه‌ترین محصول مرکز فیلم و سرریال یو‌جی کارگردانی

ابراهیم حاتمی‌کیا پس از حدود سه ماه تصویربرداری در شهرهای

گچساران و قم به پایان رسید. «خروج» بیستمین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا در مقام کارگردان در سینمای ایران است. فیلم‌برداری جدیدترین فیلم

سینمایی ابراهیم حاتمی‌کیا با عنوان «خروج» در حالی به روزهای انتهایی خود رسیده که کامبیز دیرباز از چندی پیش به این پروژه پیوسته و یکی از نقش‌های اصلی آن را برعهده گرفته است.

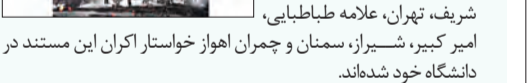
آخرین و تنها همکاری دیرباز با حاتمی‌کیا به فیلم «به نام پدر» برمی‌گردد که حدود ۱۴ سال از نمایش آن می‌گذرد.

فرامرز قریبیان، پانته‌ا پناهی‌ها،جهانگیر الماسی، گیتی قاسمی،محمدرضا شرقی‌نیا، مهدی فقیه، سام قریبیان، محمد فیلی، آتش توری،پوی اکبر رحمتی، فرزاد حسینی، رامین پورایمان و محسن صادقی‌نسب دیگر

بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

در خواست ۴۰ دانشگاه برای اکران

مستند «شورش علیه سازندگی»



**فرهنگ و هنر**: روابط عمومی مستند «شورش علیه سازندگی» از نام‌نویسی ۴۰ دانشگاه برای نمایش این مستند خبر داد و گفت: دانشگاه‌هایی همچون شریف، تهران، علامه طباطبایی،

امیر کبیر، شیراز، سمنان و چمران اهواز خواستار اکران این مستند در دانشگاه خود شده‌اند.

این فیلم مستند به کارگردانی «مصطفی شوقی» و تهیه‌کنندگی «مهدی مطهر» و در «خانه مستند انقلاب اسلامی» ساخته شده و نگاهی به شورش‌های اجتماعی در شهرهای مشهد و اسلامشهر در دهه ۷۰ شمسی دارد. کارگردان این مستند تلاش کرده با روایت‌ها و صحنه‌های دیده‌نشده‌ای از تاریخ معاصر ایران به بررسی علل و عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این شورش‌ها در زمان ریاست جمهوری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بپردازد.

این مستند ۱۸۰ دقیقه‌ای حاصل دو سال کار پژوهشی و تولیدی است که که دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله هاشمی از سال ۶۸ تا ۷۶ شمسی را روایت می‌کند.

فیلان فرهنگی و تشکل‌های دانشجویی دانشگاه‌ها می‌توانند با مراجعه به نشانی https://www.ekranet.ir/شورش-علیه-سازندگی/ یااز طریق شماره تماس ۰۲۸۴۴۶۰۳۴۴ برای نام‌نویسی این مستند برای اکران دانشگاهی اقدام کنند.

**ا فرهنگ و هنر**: خدیجه زمانیان | ابوالفضل

زرویی نصرآباد شش‌ماهه ۱۰ آذر ۱۳۹۷ در حالی که حدود دو روز از مرگش گذشته بود، در منزل شخصی‌اش پیدا شد.او که خالق آثار خواندنی ادبیات طنز ایران و از نویسندگان مجله پرمخاطب «گل آقا» در دهه‌های پیش بود، پس از یک دوره در سن ۴۹ سالگی به رحمت ایزدی پیوست.

این شاعر، طنزپرداز و پژوهشگر با اسم‌های مستعار «ملانصرالدین»، «جعندر میرزا»، «نه‌فقر»، «کلثوم ننه»، «آمیز ممتقی»، «میرزا یحیی» و «فیصل» در نشریاتی مانند نشریات مؤسسه گل آقا، همشهری، جام جم، ایرانیان، انتخاب، زن، مهر، کیهان ورزشی، بانو، جست و‌جو، عروس و تماشاگران طنز نوشته است.

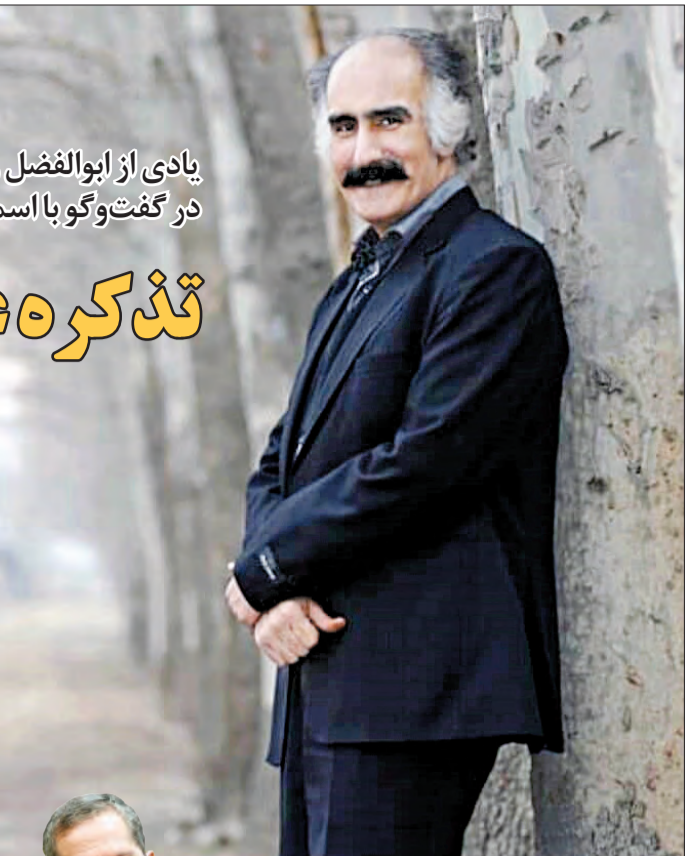
از آثار او می‌توان به «فلسافه‌های امروزی»،«حدیث قد»، «فوزها»، «غلاقه به خون‌های نرسید»، «ماه به روایت آه» و کتاب پراستقبال «تذکرهالمقامات» اشاره کرد. هم‌زمان با نخستین سالگرد درگذشت این شاعر و طنزپرداز بلندآوازه که به او لقب عبیدزاکانی معاصر هم داده شده‌است، با اسماعیل امینی، دوست و یار قدیمی او به گفت‌وگو نشستیم. اسماعیل امینی، شاعر و طنزپرداز کشورمان از زرویی نصرآباد و تأثیرش بر شعر طنز امروز ایران گفت.

◆ **چطور رفاقت و دوستی شما شکل گرفت؟**

زرویی در هفتنامه «گل آقا» فعالیت می‌کرد و من هم در آن نشریه مطلب می‌نوشتم. آن زمان آدم‌های بزرگی مثل مرتضی فرجیان، ابوالقاسم حالت، اسناد منوچهر احترامی و خود آقای صابری در گل آقا رفت و آمد می‌کردند و مطالبشان منتشر می‌شد. آقای زرویی بین این بزرگان جوانی علاقه‌مند به حوزه طنز بود. ۲۲ ساله و هانشجو بود. بعدها که در حوزه هنری دفتر نشر زا انداخت، رفت و آمد من به دفتر طنز بیشتر شد و ارتباط بین من و او نزدیک‌تر شد و دوستی ۲۵ ساله ما شکل گرفت.

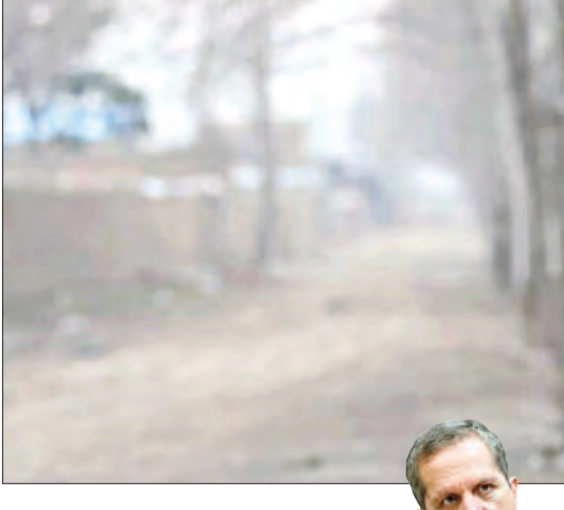
◆ **در دوران معاصر افسرد زبادی در حوزه طنز فعالیت می‌کردند. چطور زرویی به عنوان «عبید زاکانی معاصر» لقب گرفت و به نوعی حیات طنز معاصر را حاصل تلاش این شاعر و نویسندمی‌دانند؟**

پیش از هر چیز بگویم آثار زرویی اعم از شعر و نثر فقط منحصر به طنز نیست. او در غیر طنز هم اثر خلق کرده که ماندگار هم شده‌اند. کتاب درخشان «ماه به روایت آه» که روایتی از زندگی و شخصیت حضرت عباس(ع) است، برگزیده جایزه ادبی کتاب سال عاشورا در سال ۱۳۹۴ شد که در زمان حیات ایشان هم بود و قلمبندی که در مدح این حضرت سروده جزوشاهکارهای شعر منذهبی است،اما تمرکز اصلی او در حوزه طنز بود و در شعر و نثر پژوهش‌های زیادی داشت. ورود پژوهش‌های علمی درباره طنز در دانشگاه به اصرار و اتکای او بود، اما مهم‌ترین و ماندگارترین کار او در حوزه طنز، راه‌اندازی جلسات شعرخوانی طنز بود که موجب شد مردم معمولی که مخاطب شعر طنز هستند به شاعران طنزپرداز نزدیک شوند. برگزاری این جلسات الگویی شد تا در



یادی از ابوالفضل زرویی نصر آباد در گفت‌وگو با اسماعیل امینی

## تذکره عبید معاصر



سراسر کشور جلسات شعر طنز برگزار شود. اقدام مهم دیگر زرویی در حوزه طنز، مجموعه مقالات علمی او بود که درسه‌ها طنز نوشت و در آن‌ها نقش طنس را در تحولات اجتماعی بررسی کرد.



◆ **مسئله‌ای که در خصوص زرویی گفته می‌شود، جدیت او در حوزه ادبیات و طنز بود. آشخور این علاقه و جدیت از کجا به وجود آمده بود؟**

آقای زرویی با اشتیاق مطالعه می‌کرد. مطالعات

او در یک حوزه خاص نبود او نه‌تنها آثار ادبی را مطالعه می‌کرد که در خصوص تاریخ، فلسفه، مسائل اجتماعی، روان‌شناسی و همه موضوعات مطالعه می‌کرد و کتاب می‌خواند. هر زمان با او مواجه می‌شدیم راجع به کتاب‌هایی که می‌خواند صحبت می‌کرد. علاقه و اشتیاق او به مطالعه به خصوص متون کهن، زمینه‌ساز آنچه علاقه‌اش به طنز شد و آن را جدی گرفت. آنچه موجب تمایز زرویی از طنزنویسان معاصر شد همین جدیت او در طنز بود. سبایر شاعران در کنار موضوعات دیگر به طنز می‌پرداختند، اما از دوره‌ای سرسوم شد کسانی که طنز کار می‌کنند، جدی به این موضوع بپردازند که یکی از آن‌ها زرویی بود و از همان زمان هم در راه گسترش آن تلاش‌های زیادی کرد. تلاش‌های او بی‌ثمر نماند و امروز در همه شهرهای بزرگ

شرایطی فراهم کردند که سرخورده شود و در انزوا زندگی کند. دستگاه اداری و فرهنگی ما گمان می‌کند به آدم‌های بزرگ نیاز ندارد و فقط کار مند گوش به فرمان می‌خواهد

دفتر شعر طنز هست، جلسات شعرخوانی طنز و کارگاه‌های طنز برگزار می‌شود. آغازگر همه این‌ها، متعلق به زرویی بود.

◆ **نبود زرویی چه خللی بر شعر طنز وارد می‌کند؟**

زرویی با آثار و افکارش همیشه میان ما حضور دارد، اما همان زمان هم که در قید حیات بود، مجموعه نظام اجتماعی، اداری و فرهنگی تاب تحمل او را نداشت. با آنکه بسیار ملایم و مهربان بود و اهل ستیزه، مجادله و بی‌باه نبود اما به دلیل جدیت در کارش مغضوب بسیاری از افراد قرار گرفت. زرویی نمی‌توانست به کار معمولی دلخوش باشد و اهل دادوستدهای نظام اداری نبود، برای همین همه مسئولیت‌ها را از او گرفتند و شرایطی فراهم کردند که سرخورده شود و در انزوا زندگی کند؛ این جفایی

### تجسّمی

جمال‌الدین اکرمی:

### در بومی‌سازی تصویر مشکل داریم



ایستنا: جمال‌الدین اکرمی با انتقاد از اینکه بومی‌گرایی در تصویرگری‌های ما رعایت نمی‌شود، می‌گوید: تصویرگران زمان‌ها را نمی‌خوانند و گاه تصاویر با روح متن مطابقت ندارد. این نویسنده، مترجم و تصویرگر ادبیات کودک و نوجوان درباره وضعیت تصویرگری در کتاب‌های کودکان، اظهار کرد: به خاطر پیشینه‌ای که در نگارگری داریم و تلاش تصویرگران امروز، تصویرگری در کشور ما جایگاه جهانی دارد، اما درباره جایگاه بومی‌اش نقدهایی وجود دارد و باید این ضعف‌ها را برطرف کنیم. وی با بیان اینکه در بومی‌سازی تصویر مشکل داریم و یکی از اسب‌های تصویرگری ماست، درباره چرایی این موضوع خاطر‌نشان کرد: عمده متن‌های ما مرتبط با پایتخت ایران است، یعنی زبان متن، شخصیت‌ها و فضاسازی‌ها به پایتخت ایران برمی‌گردد؛ ما کمتر داستانی درباره قوم‌های ایرانی یا داستانی درباره آیین‌های لرستان یا بلوچستان داریم و این موضوع نشان‌دهنده این است که ما به قومیت‌ها کم‌توجهی داشتیم و عملاً آن‌ها کنار زده شده‌اند. نویسنده کتاب‌های «ناهِید ملکه سایه‌ها» و «شب به‌خیر ترنسه» افزود: نهادهای عطار شماره ملی: ۰۳۳۷۰۵۳۷۸-۰۹۳۳۹۰۵۳۷۸ و ویژه نهادهای دولتی باید به این نکته توجه داشته باشند که ایران فقط پایتخت نیست و ابعاد گسترده‌تری دارد و برای جریان این موضوع می‌توانند به نویسنده‌ها سفارش بدهند و بگویند مثلاً درباره ادبیات بلوچستان اثر کم داریم و روی داستان آن منطقه کار کنید و بعد به تصویرگری بومی فکر کنیم. اکرمی تأکید کرد: تصویرگری‌های ما خیلی بومی نیست و تصویرگران به شاخصه‌های بیرون از ایران تن داده‌اند و فکر می‌کنند هرچه تصویرشان اترازی‌تر باشد جهانی‌تر است و ناخودآگاه کافی نداریم.

رسانه‌ها به دنبال آدم‌های سطحی و افراد مشتاق شهرت هستند و قدر بزرگان و سرمایه‌های ما را نمی‌دانند. بعضی از این سرمایه‌ها جایگزین ندارند و سرمایه‌های ملی ما هستند.

◆ **با توجه به کم‌کاری رسانه‌ها، چطور می‌توان این شخصیت‌ها را به نسل امروز معرفی کرد؟**
اقبت گرفتن بزرگداشت کافی نیست، باید آثار بزرگان را به دست مخاطب برسانیم و معرفی کنیم. این آثار باید وارد کتاب‌های درسی و دانشگاهی شود و یا در بعضی دانشگاه‌ها، کرسی پژوهش درباره آثار بزرگان بگذاریم. این معرفی فقط نباید شامل شاعران و نویسندگان معاصری مثل ابوالفضل زرویی شود، در مورد بزرگان کلاسیک و قلل ادبی هم فقط حرف زده‌ایم. کمتر کسی است که گلستان سعدی، شاهنامه و یا حافظ را کامل خوانده باشد. اگر آثار بزرگان را با تأمل بخوانیم و به بیجه‌ایمان هم یاد بدهیم وضعیت رفتار اجتماعی امروز این‌طور نمی‌شود که همه مردم عصبانی، بی‌اعتنا، بر‌خاشگر و سطحی‌نگر باشند.

◆ **با توجه به این مسئله اثری از زرویی را معرفی کنید که با طیف بیشتری از مردم رابطه برقرار کند و مردم آن را بشناسند.**

در حوزه نثر کتابی دارد با عنوان «غلاقه به خون‌های نرسید» که منظور از غلاق همان کلاغ است. این اثر شامل تعدادی حکایت است که به شیوه قدیمی و به شکل طنز نوشته شده است. خواندن این حکایت‌ها برای همه قابل فهم و حتی خواندن آن برای بچه‌ها هم دلنشین است. در حوزه شعر هم کتابی دارد با عنوان «فوزها» که بهترین اشعار این شاعر در این مجموعه است و مخاطب با خواندن آن‌ها علاوه بر لذت بردن، با سبک شعر زرویی آشنا می‌شود.

◆ **لطفاً خاطره ای که از این دوست مهربان در ذهن شما بر جای مانده است بگویید.**

بله من به خاطر دوستی و رفاقت چندین ساله با او خاطرات زیادی دارم اما یکی از خاطرات همیشه در ذهنم باقی مانده و هر وقت یاد این خاطره می‌افتم ناخودآگاه لبخندی زم‌ن زرویی مدتی درگیر بیماری قند بود و بعد هم به خاطر ابتلا به مشکلات قلبی بیشتر به دکتر مراجعه می‌کرد. دکترها هم برای درمان تجویزهایی می‌کردند گاهی او مجبور می شد، داروی تزریقی هم استفاده کند و همیشه می‌گفت من از بچگی از آمپول می‌ترسیدم و این ترسم همچنان در من مانده. یادم هست یکبار از آمپول زدن ناخاطره‌ای گفت که به بخش تزریقات مراجعه کرده و پرستار وقتی ترس او را از آمپول دیده و به هیبت تنومند آن‌گاه کرده بارور نمی‌کرده زرویی با آن ظاهر و هیبت این همه از یک آمپول بترسد. همیشه این حکایت را با خنده تعریف می‌کرد.

واقعاً همین‌طور بسود: زرویی با آنکه تنومند بود اما روحیه، ملاطفت و نگاه زیبای او به دنیا، مثل بچه‌ها بود. بسیار مهربان بود و دل لطیفی داشت. بااطرافیان بسیار صمیمی رفتار می‌کرد و برای آموزش شاعران و نویسنده های تازه کار، وقت می گذاشت .

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰

۰۹۸۱۰۹۸۰